

تورم ۱۳/۲ درصد شد

■ **فارس:** بانک مرکزی نرخ تورم را در دوازده ماه منتهی به فروردین ۱۳۹۰ نسبت به دوازده ماه منتهی به فروردین ۱۳۸۹ معادل ۱۳/۲ درصد اعلام کرد. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه نتایج به‌دست آمده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران بر اساس سال پایه ۱۰۰=۱۳۸۳ (۳۵۹ قلم کالا و خدمت) در فروردین ۱۳۹۰ را اعلام کرد: شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در فروردین ۱۳۹۰ نسبت به ماه قبل ۰/۸ درصد افزایش یافت. در این گزارش تاکید شده است که شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی در فروردین سال جاری در مقایسه با ماه مشابه سال قبل، شاخص مذکور ۱۹/۷ درصد رشد داشته است. با استناد به گزارش بانک مرکزی، نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به فروردین ۱۳۹۰ نسبت به دوازده ماه منتهی به فروردین ۱۳۸۹ معادل ۱۳/۲ درصد است.

کسری بودجه جاری دولت به مرز ۲۲ هزار میلیارد تومان رسید

■ **فارس:** بر اساس تازه‌ترین گزارش وضعیت مالی دولت، کسری بودجه جاری در ۹ ماهه سال گذشته به مرز ۲۲ هزار میلیارد تومان رسیده است. در حالی مجموع درآمدهای دولت در بودجه سال ۸۹ بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده بود که طی ۹ ماهه سال گذشته بیش از ۲۳ هزار ۸۴۴ میلیارد تومان آن محقق شد. از مجموع این درآمدها، ۱۸ هزار و ۸۲۹ میلیارد تومان از محل مالیات و مالیاتی از سایر درآمدها محقق شده است. بر اساس این گزارش، مجموع بودجه جاری دولت که برای سال ۸۹ در قانون بودجه مصوب شده است، ۷۲ هزار و ۲۹۰ میلیارد تومان است که دولت در ۹ ماهه سال گذشته بیش از ۴۵ هزار و ۷۷۴ میلیارد تومان آن را هزینه کرده‌است که به این ترتیب با توجه به میزان درآمد ۹ ماهه دولت، کسری بودجه جاری طی این مدت به مرز ۲۲ هزار میلیارد تومان رسیده است. کسری تراز عملیاتی بودجه سال ۸۹ در قانون بودجه بیش از ۲۲ هزار و ۷۶۳ میلیارد تومان بوده است. بر اساس این گزارش، مجموع درآمدهای حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت در قانن بودجه سال گذشته بیش از ۴۵ هزار میلیارد تومان بوده است که ۴۳ هزار میلیارد تومان آن درآمد نفت است. بر اساس گزارش مالی دولت، در ۹ ماهه سال گذشته بیش از ۳۳ هزار میلیارد تومان از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای دولت محقق شده است که عمده آن از منابع درآم‌د نفت بوده است. این در حالی است که از بودجه عمرانی ۳۱ هزار و ۶۱۰ میلیارد تومانی دولت در سال گذشته، طی ۹ ماهه ۱۴ هزار و ۳۱۸ میلیارد تومان آن تخصیص پیدا کرده است. در سرفصل واگذاری دارایی‌های مالی در قانون بودجه ۸۹، فروش اوراق مشارکت صفر در نظر گرفته شده بود که درآمدی از این محل هم کسب‌نشد.

کسری ۷ هزار میلیارد تومانی دولت برای تامین بارانه نقدی امسال

■ **فارس:** عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت: بانوجه به محدودیت افزایش ۲۰ درصدی قیمت حامل‌های انرژی، درآمد دولت از محل هدفمندی یارانه‌ها در سال جاری ۳۵ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی می‌شود که نسبت به میزان یارانه پرداختی هفت هزار میلیارد تومان کسری دارد. موسی‌الرضا ثرونی افزود: با توجه به مصوبه مجلس مبنی بر اینکه دولت حداکثر ۲۰ درصد قیمت حامل‌های انرژی را در سال جاری می‌تواند افزایش دهد، پیش‌بینی می‌شود از محل آزادسازی یارانه هشت قلم کالای اساسی ۲۷ هزار میلیارد تومان درآمد کسب کند و از محل یارانه گندم و آرد سه هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان و از محل یارانه برق چهار هزار میلیارد تومان در بودجه کسب درآمد کند که در مجموع ۳۴ تا ۳۵ هزار میلیارد تومان درآمد کسب خواهد کرد. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با بیان اینکه اگر دولت بخواهد مطابق روال فعلی به مردم یارانه نقدی بپردازد، در مجموع ۲۲ هزار میلیارد تومان درآمد مورد نیاز است، بیان داشت: با توجه به کسب درآمد حداکثر ۳۵ هزار میلیارد تومان دولت حدود هفت هزار میلیارد تومان کسری خواهد آورد. نماینده پنجور، در جاجر، مانه و سلمقان در مجلس افزود: در لایحه بودجه حدود شش هزار میلیارد تومان برای درآمد بودجه‌ای ناشی از افزایش قیمت برای بودجه شرکت‌های دولتی در نظر گرفته شده است که احتمال می‌رود دولت سهم شرکت‌های دولتی و سهم تولید را نپردازد و کل یارانه نقدی را بین مردم تقسیم کند. ثروتی در مورد اینکه دولت حداکثر اجازه جابه‌جایی ۱۰ درصد درآمد هدفمندی یارانه‌ها را دارد و اگر بخواهد سهم بخش‌های دیگر را نیز بپردازد ۱۰ درصد بیشتر می‌شود، گفت: سال گذشته قرار بود ۵۰ درصد یارانه نقدی به مردم بپردازد، که در عمل ۶۰ درصد پرداخت شد، ولی امسال ظاهراً قصد دارد کل درآمد هدفمندی را به صورت یارانه نقدی پرداخت کند. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با بیان اینکه یارانه نقدی مانده سه هزار میلیارد تومان به مردم پرداخت می‌شود گفت: ظرف ۱۲ ماه سال ۳۶ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی به مردم پرداخت خواهد شد و اگر دولت همین مقدار کسب درآمد کند، هیچ پولی برای پرداخت کمک به تولید و شرکت‌های دولتی باقی نخواهد ماند.

هشت سال بعد از خداحفاظی‌اش با ساز و کار برنامه‌ریزی و بودجه نویسی، هنوز هم دغدغه اصلی‌اش برنامه‌ریزی است. مدیر گروه برنامه‌ریزی و توسعه این روزها در حال تخلیه اتاق کوچکش در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی است. قفسه‌هایی که روزی از پایان‌نامه‌های شاگردانش و گزارش‌های اقتصادی پسر بود، حالا جایش را به کارتن پر در انتظار خداحافظی از دانشکده اقتصاد داده است.

دکتر محمد ستاری فر هم از جمله استادانی است که مشمول بازنشستگی پیش از موعد شده، شاید بهتر باشد بگوییم عذرش را خواسته‌اند. می‌گوید: «بايد چند ماه پيش انقضاء می‌شود اما دلم نمی‌آید در این اتاق برای دانشجویانی که پایان‌نامه‌شان را با من گرفته‌اند یا آنهایی که مشاوره می‌خواهند بسته باشد.» حالا در این اتاق کوچک او مانده با چند عکس یادگاری، تقدیرنامه‌هایش از دوران مسوولیت در سازمان تامین اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چند بیت شعر و عکسی از مر حوم دکتر حسین عطیمی روی دیوار.

با وجودی که هشت سال پیش و پس از پایان تدوین برنامه چهارم توسعه از مسوولیت‌های دولتی کنار رفت اما هر سال او هم بسان نمایندگان مجلس و کارشناسان بودجه نویس به بررسی لایحه بودجه می‌پردازد. اعداد و ارقام را با هم جمع می‌زند و تحلیل می‌کند. گفت‌وگوی «شرق» با این کارشناس اقتصاد برنامه‌ریزی و توسعه یک هفته پیش از آغاز به کار بررسی بودجه در صحن علنی مجلس انجام شد.

■ ■ ■

آقای دکتر، همان گونه که مستحضر هستید در حال حاضر لایحه بودجه سال ۹۰ کل کشور در مجلس شورای اسلامی در جریان تصویب قرار دارد، در یک نگاه کلی این سوال در ذهن ایجاد می‌شود که بودجه‌ای با این حجم بی‌سابقه چه هدفی را دنبال می‌کند و آیا این بودجه‌های قر به سر شار ز وابستگی به درآمدهای نفتی می‌تواند منجر به رشد و توسعه و مهم‌تر از آن ایجاد اشتغال شود؟

درباره بودجه ۹۰ و اهدافی که مد نظر این بودجه بوده، در آغاز این بحث لازم است یک مقدمه مطرح شود، بودجه، برنامه یک‌ساله کشور است و اصولاً لایح بودجه در دنیا نقش مهمی در اقتصاد کشورها دارند. قوانین بودجه در کشور ما هم از این قاعده مستثنا نیست. دولت هم به لحاظ تاریخی و ساختاری و هم

منابع نفت نقش مهمی را در اقتصاد‌سازی می‌کند. به بیان دیگر حجم یک بودجه در یک دولت نفتی نشان می‌دهد که سرانجام آن اقتصاد در آن سال چگونه خواهد بود. به دلیل این اهمیت و اهدافی که دارد باید موازی‌بنی رعایت شود. این موازین به‌خصوص در سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید نشان دهد که بودجه به عنوان برنامه یک ساله، چه نوع مسایل اجتماعی را مدنظر خود قرار داده

است. از آنجایی که مسایل و مشکلات اقتصادی کشور بسیار زیادند و نمی‌توان همه آنها را در عرض یک سال حل کرد؛ اما یک بودجه توسعه‌ای باید به طور دقیق نشان دهد که چه نوع مسایل و مشکلاتی را می‌تواند در عرض یک سال حل کند. مثلاً برای رشد بهره‌وری، ضرب چینی، افزایش کارآیی، اشتغال یا در عرصه‌های اجتماعی مثل حوزه زنان چه برنامه‌ای دارد و چگونه می‌تواند آنها را مورد واکاوی قرار داده و برای آنها راه‌حل کارآمد ارایه کند. بی‌تردید یک بودجه هدفمند، بودجه‌ای است که همه این مسایل را پیش‌روی خود قرار دهد و با یک دید جامع‌نگر و فراگیر آنها را کارشناسی کرده و برای آنها راهکار ارایه کند. نکته دیگر این است که یک بودجه باید بتواند راهکار و اهداف مشخصی را برای عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی نشان دهد. بودجه ۹۰ باید به طور مشخص روشن کند که در سال ۹۰ در نهادهای مدنی، زنان، بخش خصوصی، رشد اقتصادی، تورم، توازن منطقه‌ای و بازار چه اتفاق‌هایی را شاهد خواهیم بود و به عبارت دیگر نحوه نگاه و روش شناختی دولت به این سه سطح چگونه است.

منظور شما از جامع‌نگری برای بودجه، کارکردی فراتر از ساختارهای کلی دستگاه‌های اجرایی است؟

دقیقا، بنیید در نظام مدیریت، سه قوه باید بتوانند مسایلی که نیاز به کار کارشناسی دارند را به گونه‌ای حل‌وفصل کنند که به یک استنباط واحد برسند و در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها هماهنگ عمل کنند. برای روشن شدن این موضوع، باید شیوه روش‌شناختی و متدولوژی دولت را کالبدشکافی کرد و به نحو صریح و شفاف ارزش‌گذاری کرد. در واقع سه قوه حاکمیتی باید موضوعی را برای حکمرانی رعایت کنند. نخست آنکه در میانی ارزش‌ها امانتدار بوده از شعاردادن پرهیز کنند؛ دوم نگاه توسعه‌ای و ارگانیک داشته باشند و سوم مسایل را به‌طور عمیق حل کنند که در فرآیند برنامه‌ریزی صورت منابع و مصارف اقتصاد به‌طور شفاف نشان داده شود. اگر دیدگاه حکمرانی در حوزه روش‌شناختی این‌گونه باشد، این نتیجه حاصل می‌شود که آن حکمروایی استنباط

اقتصاد

گفت‌وگو با دکتر محمد ستاری فر:

تفاهم، نقطه فراموش شده بودجه‌های سنواتی است

خاطر وطن‌خواه



پنجمین رئیس‌جمهور

اما عدم همگرایی و تشتت از این بررسی‌کنندگان و مجریان وجود دارد که محصول خوبی برای کشور ۶۰ سال گذشته، توسعه کشور همواره پستی و بلندیایی را تجربه کرده است، مادامی که بین اجزای حکمرانی یک استنباط واحد به وجود آمده و همدلی و انسجام بوده، رشدهای خوبی را تجربه کرده‌ایم. در بسیاری از سال‌هایی که رشدهای خوبی داشته‌ایم و مردم احساس رفاه نسبی کرده‌اند، زمانی بوده که ما

اتفاقاً منابع زیاد نداشتیم.

یعنی شما معتقدید که رشدهای اقتصادی به واسطه در آمد و پول نفت رخ نداده؟

زمانی که وفور منابع داشتیم؛ به دلیل عدم تفاهمی که بین اجزا ایجاد شده، تفاوت در مبانی ارزشی و فکری هم به دنبال آن آمده و در نتیجه در جا زده‌ایم که این موضوع بسیار بر رشد کشور تاثیر گذاشته است. هر میزان که در مولفه‌های ساماندهی که نظم و ترتیب بین مدیریت و

مردم است، کوشا بودیم قدیم‌های موثرتری برداشتیم و درجایی که این تفاهم تضعیف شده درجا زده‌ایم. این موضوعی که از نظر چگونگی ارزش‌شناختی بحث دیگری می‌طلبد که موضوع این گفت‌وگو نیست.

در تاریخ ۶۰ ساله ایران هر وقت هماهنگی بین اجزا بیشتر بوده، رشد صورت گرفته و هر بار تشتت بوده، عقب‌گرد بیشتر شده است. بنابراین رشدهای اقتصادی هیچ ربطی به افزایش منابع نفت ندارد. ما در چند سال گذشته منابع نفتی بسیار زیادی داشتیم که به دلیل عدم استنباط واحد از شرایط فرصت‌ها را از دست دادیم و از کشورهای منطقه دور شدیم.

یکی از مشکلاتی که همواره در جریان تصویب لویایح بودجه اتفاق می‌افتد، حجمی‌تر شدن لویایح دولت در مراحل تصویب در مجلس است.

یعنی بودجه با یک حجم به مجلس می‌رود، اما هنگام تصویب عملاً آنچه مصوب می‌شود، تفاوت تصویب دارد. این موضوع مختص به این دولت نیست و در گذشته هم با این مشکل روبه‌رو بوده‌ایم. آیا می‌توان گفت این موضوع هم به نوعی به ناداشتن تفاهم منجر می‌شود؟

به عنوان یک کارشناس کوچک معتقدم، محصول اجرای این بودجه، بی‌انضباطی است که در نظام تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر ایجاد می‌شود. یعنی ماحصل بودجه ۹۰ به جای آنکه استنباط واحدی بین اجزا ایجاد شود موجب تشتت بین اجزا می‌شود. استدلالم هم برای این پیش‌بینی این است که وقتی نهادی مثل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که ۶۰ سال سابقه برنامه نویسی و تجربه کارشناسی دارد را به هم می‌زنند، امور اداری و حقوقی هم مختل می‌شود. با چنین آشفتگی به هر میزان پول تزریق شود، به نتیجه نمی‌رسیم. بنابراین ما نیازمند یک همگرایی بین نهادها هستیم. بنده به عنوان یک کارشناس، دلم برای این وضعیت می‌سوزد، چون کشور برای همه ماست و مربوط به یک جناح خاص نیست. اگر چه در ۳۲ سال گذشته هم مختص به این اجرای برنامه‌ها بوده اما به نظر امروز این عدم تفاهم بیشتر شده است. حتی اگر لایحه دولت هم دقیق و متناسب با شرایط اقتصادی کشور تدوین شده باشد،

صندوق توسعه واریز کرده‌ایم، اما برخی هم می‌گویند اصلاً پولی ریخته نشده است. در اداره کشور مگر و اگر نداریم؛ اینها سم مهلکی بر نظام شفافیت کشور است. این صحبت من نیست، وقتی نایب رییس کمیسیون بودجه اعلام می‌کند ۲۵۰ دستگاه اجرایی گزارش عملکرد سال گذشته خود را به مجلس نداده‌اند یا آقای ابوترابی نایب رییس مجلس عنوان می‌کند که تامین کسری بودجه از حساب ذخیره کار عادلانه‌ای نیست یا آقای محسن رضایی دبیر کمیسیون اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید ساختار بودجه در چارچوب سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نیست یا آقای دکتر ولایتی عنوان می‌کند که نمی‌شود مملکت را با روزمرگی اداره کرد، باید به این نقل قول از آقای دکتر حداد عادل می‌رسیم که مجلس در دستگاه ابوعطا می‌زند و دولت در دستگاه ماهر. تمام این مسایل نشان می‌دهد که بین اجزا استنباط واحدی وجود ندارد.

یکی از انتقادهای همیشگی به لویایح بودجه در چه وابستگی آن به نفت است که بودجه امسال هم از آن بی‌بهره نیست و تاکنون مورد انتقاد کارشناسان بسیاری قرار گرفته است، به نظر شما این موضوع چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد؟

طبق بودجه ارایه شده در سال ۹۰، میزان درآمدهای نفتی دولت از سال ۸۴ تا پایان امسال طبق بودجه ارایه‌شده در سال ۹۰، میزان درآمدهای نفتی دولت به حدود ۶۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید که این عدد در طول تاریخ ۱۰۰ ساله نفت ایران بی‌سابقه است.

سوال این است که چرا این ۶۰۰ میلیارد دلار درآمد نتوانسته بخشی از مشکلات ما را حل کند؟ این سوال من نیست بلکه سوال افکار عمومی است. ۶۰۰ میلیارد دلار رقم کمی نیست. حداقل عملکرد در این شش سال یعنی تا پایان سال ۸۹ باید این را نشان می‌داد که چقدر از این درآمد به نظم و انضباط و فهم مشترک برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای رسیده است. با این حال این موضوع در بودجه‌های شش سال پیش مغفول مانده. دولت و مجلس به دنبال منابع و مصارف بودجه با میزان کم و زیاد بودجه‌های عمرانی هستند، در حالی که من و شما انتظار داشتیم که شاخص‌های بنیادین در اقتصاد افزایش یابد. برنامه چهارم دنبال این بود که رشد اقتصادی اتفاق بیفتد و عرصه‌های کار و اشتغال فراهم شود.

بازار وسعت پیدا کند. آیا بهتر نبود دولتی که ۶۰۰ میلیارد دلار در طول اجرای این برنامه منابع

در اختیار داشت، به جای پخش کردن نقدی این پول کلان در استان‌ها و شهرستان‌ها عرصه را به روی کارفرمایان و کارآفرینان بازتر می‌کرد؟ شاخص‌های اقتصادی در شهرهای صنعتی نشان می‌دهد که تولیدکنندگان با ظرفیتهای نیمه خالی و نیمه تعطیل روزگار می‌گذارند. اگر بخش خصوصی، بازار و کارفرمایان حضور فعال در عرصه اقتصاد نداشته باشند، انسداد اقتصادی رخ می‌دهد و موجبات

تنزل رشد اقتصادی را فراهم می‌کند. به نظر شما چرا شاخص‌های ما پایین می‌آید؟ چرا باید بانک جهانی گزارش بدهد که ایران در بین ۱۰۸ کشور با این میزان درآمد نفتی در رتبه ۹۰ قرار گرفته؟ رشد ما در منطقه از همه پایین‌تر شده، درحالی که بنا بوداول باشیم.

قرار بود براساس برنامه چهارم که هدف‌گذاری رشد هشت درصدی را داشت، کل منابع ارزی برای این رشد ۸۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار باشد. گروهی می‌گفتند این عملکرد تخیلی است. در حالی که این عدد از عملکرد سال‌های ۸۰ و ۸۱ و هزیننه کرد ۱۵ نیم میلیارد دلار ارز در بودجه به دست آمده بود و مدل نداشت.

اما امروز به جای ۸۱ میلیارد دلار ۴۵۱ میلیارد دلار درآمد هزینه شده و شاخص اقتصادی به جای هشت به چهار رسیده است. تراز کساورزی ما که در سال ۸۱ به میزان ۲۸ میلیون دلار مثبت بود، صادرات کساورزی هم مثبت بود امروز چند شده است. آیا کسی برای این سوال پاسخ می‌دارد؟

ادامه در صفحه ۵

رکوردهای منفی بورس

■ ۱- بورس سالم بورسی است که از تمامی تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی تاثیر پذیرفته و بازتاب‌دهنده رفتار سرمایه‌گذاران درخصوص تحولات فوق باشد. بورس ۱۲۰ میلیارد دلاری تهران نیز از این امر مستثنا نیست. هرگونه خبری که حاکی از تهدید، بحران، عدم اطمینان یا غیرقابل پیش‌بینی بودن آینده باشد، باعث ایجاد صف‌های فروش و برتری فروشندگان نسبت به خریداران می‌شود.

۲- نکته مهم در این فرآیند آن است که معمولاً هنگام انتشار اخبار منفی لایه اول فروشندگان شامل سرمایه‌گذاران حقیقی ریسک‌گریز هستند؛ سرمایه‌گذارانی که از اخبار منفی تاثیر بیشتری گرفته و به سرعت مایل به خروج از بازار هستند. اما لایه‌های بعدی فروشندگان لزوماً شاخص حقیقی و حقوقی نیستند که از ترس و برای فرار می‌فروشند. لایه‌های بعدی فروشندگان، سهامداران حقیقی و حقوقی هستند که به دلیل پایین آمدن قیمت سهم‌شان و صرف‌ایری خرید همین سهام در قیمت‌های پایین‌تر و کسب سود از این فرآیند، اقدام به فروش می‌کنند. صرف‌نظر از دلایل فروشندگان سهام هنگام انتشار اخبار منفی (خواه داخلی یا خارجی) سطح عمومی قیمت‌ها نزول یافته و باعث نزول شاخص‌ها می‌شود.

۳- در این مواقع آنچه مهم است، آن است که مدیران بازار و مدیران ارشد اقتصادی کشور با درک درست از عمق نزول و تشخیص لایه‌های فروشنده و انگیزه آنها نسبت به ایجاد تقاضای واقعی در طرف

دیگر اقدام کنند.

در بازارهای پیشرفته مالی مانند آمریکا نیز شاهد بودیم که با دادن وام به بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری توسط بانک مرکزی و دولت به سرعت نزول شاخص‌ها را کنترل کردند.

۴- اگر در روزهای اول انتشار اخبار منفی نسبت به تحریک طرف تقاضا توسط سرمایه‌گذاران نهادی و عمومی اقدام نشود، به دلیل طولانی بودن صف‌های فروش و حجم زیاد عرضه سهام در روزها و ساعات بعدی امکان بالا بردن طرف تقاضا و غلبه صف‌های خرید بر صف‌های فروش بسیار سخت می‌شود.

۵- در همین مورد اخیر در دوشنبه هفته گذشته با ۱۰ میلیارد تومان برای فروش هر یک صف‌های فروش را جمع و بازار را مثبت کرد.

اما با گذشت زمان در روز گذشته فقط شاهد فروش ۷۰ سهم مخیراتر بنا رقصی در حدود ۲۸ میلیارد تومان بودیم و برای جمع و مثبت کردن کل بازار هم‌قای چندصد میلیارد تومانی نیاز بود.

۶- به هر حال نکته بنیاد اول این مقاله در روز گذشته اثر گذاشت و سهامدارانی که برای کسب سود اقدام به فروش کرده یا سرمایه‌گذاران نهادی که نقدینگی داشتند شاهد نزول قیمت‌های

هفته اخیر بودند اقدام به خرید سهام در قیمت‌های افت یافته کرده و تقریباً صف‌های فروش سهام در پایان دیروز جمع شد.

۷- هرچه بورسی از لحاظ ارزش بازار بزرگ‌تر می‌شود و هرچه تعداد سهام‌شاور آزاد در آن بورس بیشتر شده و تعداد سرمایه‌گذاران نهادی و فردی نیز بیشتر و دسترسی این سرمایه‌گذاران به بازار نیز سریع‌تر و بهتر شود در مواقع انتشار اخبار منفی با مثبت‌بختی آنها برای فروش یا خرید نیز بیشتر خواهد شد. در این حالت اصطلاحاً می‌گوییم بازار مبتنی بر سفارش (order driven market) شده است. بدیهی است در بازارهای مبتنی بر سفارش‌های لحظه‌ای نوسانات بیشتر و وسیع‌تر خواهد بود.

۸- وجود بازارگردان‌ها، متخصصان سهام، تامین‌کنندگان نقدینگی که معمولاً سعی می‌کنند بر خلاف جریان بازار عمل و بازار را مبتنی بر مظنه (quote driven market) کرده و همچنین تدبیر مدیران ارشد اقتصادی برای تحریک به موقع طرف تقاضا یا عرضه تنها راه کنترل بازار در هنگام هیجانات این جنبی خواهد بود.

۹- نکته آخر اینکه تجربه ۱۵ سال‌ه حکایت می‌کند: سرمایه‌گذاران فردی و نهادی که در این گونه مواقع خوشبختن دار بوده در قیمت‌های کاهش‌یافته اقدام به خرید کرده و بلندمدت‌تر و صبورانه‌تر از لایه‌های اولیه فکر می‌کنند، برنده بازار بوده و پس از اتمام بحران و کنترل بازار برنده این میدان خواهند بود. نکته‌ای که در روزهای اخیر نیز به‌عینه مجدداً شاهد آن بودیم و تکرار شد.

♦ **دبیر کل سابق کانون کارگران بورس اوراق بهادار**

شماره ۹۰/۱

شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) در نظر دارد، اموال ضایعاتی خود را از طریق مزایده به فروش برساند.

بدینوسیله از اشخاص حقیقی و حقوقی دعوت می‌شود پس از واریز مبلغ هزار ریال (۱۰۰۰/۰۰۰ ریال)

به حساب شماره ۵۴۵۵۱۴۵۰۴۵ بانک تجارت، شعبه مرکزی به نام شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو)، از ساعت

۹ صبح الی ۱۵ روزهای ۱۳/۲/۹۰ لغایت ۲۱/۲/۹۰ بجهت خرید اسناد مزایده یا در دست داشتن رسید بانکی به امور

قراردادهای این شرکت به نشانی: بزرگراه رسالت - جنب ایستگاه مترو شهید باقری - شرکت راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) - اداره امور حقوقی و قراردادها مراجعه و اسناد را دریافت نمایند .